

# همشهری

**ایران‌شهر:**  
 دبیر هیئت مدیره: عباسی  
 دبیر هیئت مدیره: محمدی  
 دبیر هیئت مدیره: سرخوش  
 دبیر هیئت مدیره: عزیزی  
 دبیر هیئت مدیره: جعفری  
 دبیر هیئت مدیره: حاجت‌نیا  
 دبیر هیئت مدیره: سادات  
 دبیر هیئت مدیره: سادات  
 دبیر هیئت مدیره: سادات

**سیاسی و دیپلماتیک:**  
 مدیر: حسین ارجلو  
 مدیر: شایگان  
 مدیر: سید محمد  
 مدیر: سید محمد  
 مدیر: سید محمد  
 مدیر: سید محمد  
 مدیر: سید محمد  
 مدیر: سید محمد  
 مدیر: سید محمد

**اقتصاد:**  
 مدیر: حسین لطفی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی  
 مدیر: سید محمد موسوی

**تئاتر:**  
 مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند  
 مدیر: لیلیا فرسند

**طرح و گرافیک:**  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی  
 مدیر: محمد علی حلیمی

**حضرت امیر المؤمنین علی:**  
 به یاد آرید که لذت‌ها تمام شدنی است و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی.

**اذان ظهر:** ۱۲:۱۶  
**اذان عصر:** ۱۸:۱۹  
**اذان صبح فردا:** ۵:۰۷  
**طلوع آفتاب فردا:** ۶:۳۰

**پدربزرگ آملی:** ۸۳۲۲۱۰۰۰  
**چاپ:** همشهری  
**تلفن:** ۲۸۰۷۵۰۰۰

**توزیع و اشتراک:** موسسه گسترش امروز نوین  
**تلفن توزیع:** ۶۱۹۳۳۰۰  
**تلفن اشتراک:** ۶۱۹۳۳۱۱۴

## بهارستانی بی بهار



شاید اگر کوچه و خیابان‌های تهران، روزی به حرف بیایند، محله بهارستان و میدانش، بر حرف‌ترتین محله شوند و مدال تاریخ تهران را گردن این محله قدیمی بیابینند؛ محله‌ای که به چشم خود، مرگ قائم‌مقام فراهانی و میرزاده عشقی را دید و شاهد تاجگذاری ناصرالدین شاه قاجار بود. محله‌ای که هنرندان سازه‌دست را بدرقه کرده و شاهد ورود عاشقان علم به مدرسه سپهسالار بوده؛ محله‌ای که موافقان و مخالفان مصدق در آن راهپیمایی کردند و بوی باروت توب‌های شلیک‌شده به مجلس را استشمام کرده. حالا در این روزهای اسپندی و باشکوه، گشتی در محله بهارستان خواهیم زد و با گوش هوش، به صدای تاریخ تهران گوش فرا خواهیم داد.

### تاریخش

نام محله بهارستان را به نام میدانش می‌شناسند، اما قصه تغییر نام این میدان در زمان‌های گوناگون، خودش خبر از تاریخ آن می‌دهد. نام‌های قبلی این میدان، ابتدا جلوه‌خاں باغ نگارستان بود و سپس باغ نگارستان و باغ سپهسالار و بهارستان و عزیزیه و مجلس و شاه‌آباد! اینجا در زمان جلوس فتحعلی شاه قاجار در کاخ نگارستان، اینجا را جلوه‌خاں باغ نامید و بعد از او وقتی میرزا حسین‌خان سپهسالار زمین‌هایش را خرید باغی برای خودش دست‌وپا کرد که آن را باغ سپهسالار نامیدند. وقتی پس از مرگ او، ناصرالدین شاه زمین‌هایش را مصادره کرد و آنها را به عزیز السلطان، داماد عزیز بخشید، به عزیزیه معروف شد. وقتی مجلس مشروطه خواهان هم در این محل، مجلس‌شان را بنا کردند، به محله مجلس مشهور شد و وقتی مجسمه رضاخاں را در میدانگاهی این محله نصب کردند، شاه‌آباد شد و پس از طلوع بهار انقلاب اسلامی، دوباره بهارستان!

### ساختمان‌هایش

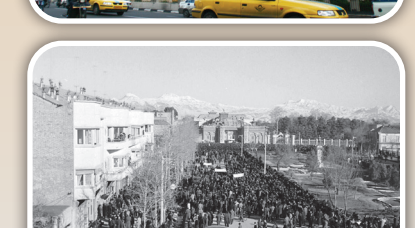
یکی از ساختمان‌های خیزترین محله‌های تهران، محله بهارستان است؛ ساختمان‌هایی که هر کدام، اهمیت تاریخی ویژه‌ای دارند. ساختمان مجلس شورای اسلامی و بناهای الحاقی آن، مسجد و مدرسه شهید مطهری، موزه هنرهای ملی، باغ نگارستان، عمارت مسعودیه، منزل موزه شهید رجایی و... از این جمله‌اند.

### صیای بهارستان

اگر در این روزهای محله بهارستان گشتی بزنید، فروشگاه‌های سازه‌های سنتی و مدرن توجه شما را به خود جلب می‌کند. شاید دلپیش، خانه استاد ابوالحسن صبا باشد که در این محله است؛ او آهنگساز، نوازنده و معلم موسیقی بود که در نواختن سازهای چون ویولن و سه‌تار تبحر داشت. بنا به وصیت او، خانه‌اش در خیابان ظهیرالاسلام در اختیار دانشگاه هنرهای زیبا قرار گرفت و به موزه تبدیل شد.

### اکنونش

محله بهارستان به خیابان‌های انقلاب، بهارستان، سعدی و جمهوری محدود و میدان آن در سال ۱۳۹۵ ثبت ملی شد. این محله‌ای که روزی پر از دار و درخت بود و در باغ آن، عروسی جناب شاه قاجاری ۷ و امروز برپا شد، حالا بی‌درخت شده و پر از مغازه‌های جورواجور و کوچه‌های تنگ و تار است. بورس کیف و کفش، بورس کاغذفرشان، تعدادی چاپخانه و تالان خواهد ساختمان‌های قدیمی و خاطر‌انگیز از جاذبه‌های این محله از تهران قدیم است.



## پهلوانان نمی‌میرند

آشنایی با چند زورخانه قدیمی و معروف تهران

تا پیش از آنکه باشگاه‌های ورزشی کوچک و بزرگ مثل قارچ سر از هر کوچه و خیابان تهران در بیاورند، زورخانه‌ها یا نوق جوانان محل بودند؛ زورخانه‌هایی بادی کوتاه، کنار سقاخانه و آب‌انبار، پشت دیوارهای خشت و گل که مردها با سبیل‌های پر تپ و روغن‌زده، پنجه‌هایی ورزیده و خوش قامت «باغلی» می‌گفتند، سر خم می‌کردند و از این در می‌گذشتند. از پشت این در تنها صدای ضرب و زور می‌آمد و صدای باغلی از لب جوانمردانی که دل در گرو آیین سنگ عیار و پوربای ولی داشتند. درهای کوتاه‌قامت اهل زور تهران روزی به روی بید و جوان باز بودند. گلپازان می‌شدند و در ماه رمضان چراغ گل‌بازان در این زورخانه‌ها برپا می‌شد. یک محله بود و یک زورخانه؛ پهلوان که از هر کوچه رد می‌شد، پیرها به احترامش قامت راست می‌کردند.



عکس: هاله همشهری | امیر شاه‌پور - رضا نوراله

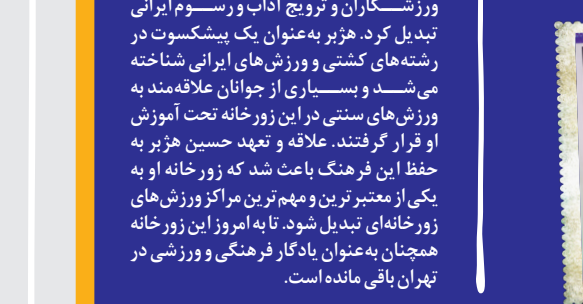


### زورخانه نیروشادی

زورخانه نیروشادی نزدیک به ۱۰۰ سال قدمت دارد. در یکی از کوچه‌های باریک خیابان مولوی است و بهرغم کم‌قبالی بعضی از جوانان به ورزش باستانی هنوز هم برآمیختندگان خودشان را دارد. این زورخانه خیلی بزرگ نیست اما محل پرورش پهلوان‌های نامی بوده است. داستان ساخت این زورخانه جالب است و به سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ برمی‌گردد. ماجرا از آنجا شروع می‌شود که رضا کاشفی برجسته، معروف به رضا یوسف‌خان به کرمانشاه سفر می‌کند. او که جوان نونموند و ورزشکاری بوده به یکی از زورخانه‌های کرمانشاه می‌رود تا کمی سر حال شود اما صاحب زورخانه استقبال نمی‌کند و به نوعی او را از خود می‌رانند. یوسف‌خان وقتی به تهران بازمی‌گردد، زورخانه‌های در قنات آباد می‌سازد و بعد از چند سال هم زورخانه نیروشادی را بنا می‌کند. این هدف که کسانیکه در ورزش می‌کنند سرشار از نیرو و انرژی شوند، بعد از فوت رضا کاشفی برجسته در سال ۱۳۴۹، اداره زورخانه به اکبر پسرش رسید. او هم مدتی زورخانه را اداره کرد و هم اکنون این مسئولیت بر عهده وحید رضا، نوه برجسته محول شده است.

### زورخانه شیرافکن

زورخانه شیرافکن یکی از زورخانه‌های قدیمی شهر تهران است که سال ۱۲۸۷ نوسازی شده است؛ زورخانه‌ای که سال ۱۲۱۳ پهلوان مرحوم «خسرو معصومی» در آن را به روی یک محله باز کرد. پهلوان خسرو که آوازه کشتی‌هایش با پهلوان «مهدی» معروف به «مهدی قصاب» دهان به دهان می‌چرخید، وقتی انگشترش زمان کشتی با مهدی قصاب قطع شد، مسئولان حکومت وقت را بر آن داشت که ورزشگاه‌های برای او بسازند. خسرو معصومی، یکی از پیشکسوتان و مربیان برجسته ورزش‌های زورخانه‌ای بود که هدفش ترویج فرهنگ پهلوانی و حفظ ورزش‌های سنتی ایرانی بود و انگشترش تنها پسرش پهلوان مجید از کهن‌کوستان شهر، چرغدار زورخانه است.



### زورخانه هژبر

حسین هژبر در اواخر دوران قاجار و در سال ۱۳۱۰ زورخانه هژبر را در محله مولوی تهران به منظور حفظ و توسعه سنت‌های ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای بنا کرد. این زورخانه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای در تهران شناخته می‌شود و همچنان نقش مهمی در حفظ و ترویج سنت ورزش‌های ایرانی دارد. او با هدف گسترش فرهنگ پهلوانی و آموزش ورزش‌های سنتی ایرانی، این مکان را به محلی برای تربیت ورزشکاران و ترویج آداب و رسوم ایرانی تبدیل کرد. هژبر به عنوان یک پیشکسوت در رشته‌های کشتی و ورزش‌های ایرانی شناخته می‌شد و بسیاری از جوانان علاقه‌مند به ورزش‌های سنتی در این زورخانه تحت آموزش او قرار گرفتند. علاقه و تعهد حسین هژبر به حفظ این فرهنگ باعث شد که زورخانه او به یکی از معتبرترین و مهم‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای تبدیل شود. تا به امروز این زورخانه همچنان به عنوان یادگار فرهنگی و ورزشی در تهران باقی مانده است.

## پهلوانان نمی‌میرند

آشنایی با چند زورخانه قدیمی و معروف تهران

تا پیش از آنکه باشگاه‌های ورزشی کوچک و بزرگ مثل قارچ سر از هر کوچه و خیابان تهران در بیاورند، زورخانه‌ها یا نوق جوانان محل بودند؛ زورخانه‌هایی بادی کوتاه، کنار سقاخانه و آب‌انبار، پشت دیوارهای خشت و گل که مردها با سبیل‌های پر تپ و روغن‌زده، پنجه‌هایی ورزیده و خوش قامت «باغلی» می‌گفتند، سر خم می‌کردند و از این در می‌گذشتند. از پشت این در تنها صدای ضرب و زور می‌آمد و صدای باغلی از لب جوانمردانی که دل در گرو آیین سنگ عیار و پوربای ولی داشتند. درهای کوتاه‌قامت اهل زور تهران روزی به روی بید و جوان باز بودند. گلپازان می‌شدند و در ماه رمضان چراغ گل‌بازان در این زورخانه‌ها برپا می‌شد. یک محله بود و یک زورخانه؛ پهلوان که از هر کوچه رد می‌شد، پیرها به احترامش قامت راست می‌کردند.



عکس: هاله همشهری | امیر شاه‌پور - رضا نوراله



### زورخانه نیروشادی

زورخانه نیروشادی نزدیک به ۱۰۰ سال قدمت دارد. در یکی از کوچه‌های باریک خیابان مولوی است و بهرغم کم‌قبالی بعضی از جوانان به ورزش باستانی هنوز هم برآمیختندگان خودشان را دارد. این زورخانه خیلی بزرگ نیست اما محل پرورش پهلوان‌های نامی بوده است. داستان ساخت این زورخانه جالب است و به سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ برمی‌گردد. ماجرا از آنجا شروع می‌شود که رضا کاشفی برجسته، معروف به رضا یوسف‌خان به کرمانشاه سفر می‌کند. او که جوان نونموند و ورزشکاری بوده به یکی از زورخانه‌های کرمانشاه می‌رود تا کمی سر حال شود اما صاحب زورخانه استقبال نمی‌کند و به نوعی او را از خود می‌رانند. یوسف‌خان وقتی به تهران بازمی‌گردد، زورخانه‌های در قنات آباد می‌سازد و بعد از چند سال هم زورخانه نیروشادی را بنا می‌کند. این هدف که کسانیکه در ورزش می‌کنند سرشار از نیرو و انرژی شوند، بعد از فوت رضا کاشفی برجسته در سال ۱۳۴۹، اداره زورخانه به اکبر پسرش رسید. او هم مدتی زورخانه را اداره کرد و هم اکنون این مسئولیت بر عهده وحید رضا، نوه برجسته محول شده است.

### زورخانه شیرافکن

زورخانه شیرافکن یکی از زورخانه‌های قدیمی شهر تهران است که سال ۱۲۸۷ نوسازی شده است؛ زورخانه‌ای که سال ۱۲۱۳ پهلوان مرحوم «خسرو معصومی» در آن را به روی یک محله باز کرد. پهلوان خسرو که آوازه کشتی‌هایش با پهلوان «مهدی» معروف به «مهدی قصاب» دهان به دهان می‌چرخید، وقتی انگشترش زمان کشتی با مهدی قصاب قطع شد، مسئولان حکومت وقت را بر آن داشت که ورزشگاه‌های برای او بسازند. خسرو معصومی، یکی از پیشکسوتان و مربیان برجسته ورزش‌های زورخانه‌ای بود که هدفش ترویج فرهنگ پهلوانی و حفظ ورزش‌های سنتی ایرانی بود و انگشترش تنها پسرش پهلوان مجید از کهن‌کوستان شهر، چرغدار زورخانه است.



### زورخانه هژبر

حسین هژبر در اواخر دوران قاجار و در سال ۱۳۱۰ زورخانه هژبر را در محله مولوی تهران به منظور حفظ و توسعه سنت‌های ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای بنا کرد. این زورخانه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای در تهران شناخته می‌شود و همچنان نقش مهمی در حفظ و ترویج سنت ورزش‌های ایرانی دارد. او با هدف گسترش فرهنگ پهلوانی و آموزش ورزش‌های سنتی ایرانی، این مکان را به محلی برای تربیت ورزشکاران و ترویج آداب و رسوم ایرانی تبدیل کرد. هژبر به عنوان یک پیشکسوت در رشته‌های کشتی و ورزش‌های ایرانی شناخته می‌شد و بسیاری از جوانان علاقه‌مند به ورزش‌های سنتی در این زورخانه تحت آموزش او قرار گرفتند. علاقه و تعهد حسین هژبر به حفظ این فرهنگ باعث شد که زورخانه او به یکی از معتبرترین و مهم‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای تبدیل شود. تا به امروز این زورخانه همچنان به عنوان یادگار فرهنگی و ورزشی در تهران باقی مانده است.

## پهلوانان نمی‌میرند

آشنایی با چند زورخانه قدیمی و معروف تهران

تا پیش از آنکه باشگاه‌های ورزشی کوچک و بزرگ مثل قارچ سر از هر کوچه و خیابان تهران در بیاورند، زورخانه‌ها یا نوق جوانان محل بودند؛ زورخانه‌هایی بادی کوتاه، کنار سقاخانه و آب‌انبار، پشت دیوارهای خشت و گل که مردها با سبیل‌های پر تپ و روغن‌زده، پنجه‌هایی ورزیده و خوش قامت «باغلی» می‌گفتند، سر خم می‌کردند و از این در می‌گذشتند. از پشت این در تنها صدای ضرب و زور می‌آمد و صدای باغلی از لب جوانمردانی که دل در گرو آیین سنگ عیار و پوربای ولی داشتند. درهای کوتاه‌قامت اهل زور تهران روزی به روی بید و جوان باز بودند. گلپازان می‌شدند و در ماه رمضان چراغ گل‌بازان در این زورخانه‌ها برپا می‌شد. یک محله بود و یک زورخانه؛ پهلوان که از هر کوچه رد می‌شد، پیرها به احترامش قامت راست می‌کردند.



عکس: هاله همشهری | امیر شاه‌پور - رضا نوراله



### زورخانه نیروشادی

زورخانه نیروشادی نزدیک به ۱۰۰ سال قدمت دارد. در یکی از کوچه‌های باریک خیابان مولوی است و بهرغم کم‌قبالی بعضی از جوانان به ورزش باستانی هنوز هم برآمیختندگان خودشان را دارد. این زورخانه خیلی بزرگ نیست اما محل پرورش پهلوان‌های نامی بوده است. داستان ساخت این زورخانه جالب است و به سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ برمی‌گردد. ماجرا از آنجا شروع می‌شود که رضا کاشفی برجسته، معروف به رضا یوسف‌خان به کرمانشاه سفر می‌کند. او که جوان نونموند و ورزشکاری بوده به یکی از زورخانه‌های کرمانشاه می‌رود تا کمی سر حال شود اما صاحب زورخانه استقبال نمی‌کند و به نوعی او را از خود می‌رانند. یوسف‌خان وقتی به تهران بازمی‌گردد، زورخانه‌های در قنات آباد می‌سازد و بعد از چند سال هم زورخانه نیروشادی را بنا می‌کند. این هدف که کسانیکه در ورزش می‌کنند سرشار از نیرو و انرژی شوند، بعد از فوت رضا کاشفی برجسته در سال ۱۳۴۹، اداره زورخانه به اکبر پسرش رسید. او هم مدتی زورخانه را اداره کرد و هم اکنون این مسئولیت بر عهده وحید رضا، نوه برجسته محول شده است.

### زورخانه شیرافکن

زورخانه شیرافکن یکی از زورخانه‌های قدیمی شهر تهران است که سال ۱۲۸۷ نوسازی شده است؛ زورخانه‌ای که سال ۱۲۱۳ پهلوان مرحوم «خسرو معصومی» در آن را به روی یک محله باز کرد. پهلوان خسرو که آوازه کشتی‌هایش با پهلوان «مهدی» معروف به «مهدی قصاب» دهان به دهان می‌چرخید، وقتی انگشترش زمان کشتی با مهدی قصاب قطع شد، مسئولان حکومت وقت را بر آن داشت که ورزشگاه‌های برای او بسازند. خسرو معصومی، یکی از پیشکسوتان و مربیان برجسته ورزش‌های زورخانه‌ای بود که هدفش ترویج فرهنگ پهلوانی و حفظ ورزش‌های سنتی ایرانی بود و انگشترش تنها پسرش پهلوان مجید از کهن‌کوستان شهر، چرغدار زورخانه است.



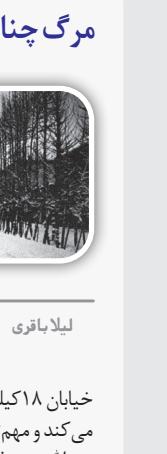
### زورخانه هژبر

حسین هژبر در اواخر دوران قاجار و در سال ۱۳۱۰ زورخانه هژبر را در محله مولوی تهران به منظور حفظ و توسعه سنت‌های ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای بنا کرد. این زورخانه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای در تهران شناخته می‌شود و همچنان نقش مهمی در حفظ و ترویج سنت ورزش‌های ایرانی دارد. او با هدف گسترش فرهنگ پهلوانی و آموزش ورزش‌های سنتی ایرانی، این مکان را به محلی برای تربیت ورزشکاران و ترویج آداب و رسوم ایرانی تبدیل کرد. هژبر به عنوان یک پیشکسوت در رشته‌های کشتی و ورزش‌های ایرانی شناخته می‌شد و بسیاری از جوانان علاقه‌مند به ورزش‌های سنتی در این زورخانه تحت آموزش او قرار گرفتند. علاقه و تعهد حسین هژبر به حفظ این فرهنگ باعث شد که زورخانه او به یکی از معتبرترین و مهم‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای تبدیل شود. تا به امروز این زورخانه همچنان به عنوان یادگار فرهنگی و ورزشی در تهران باقی مانده است.

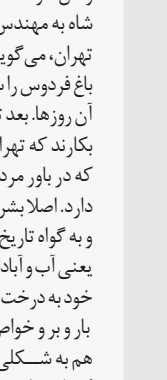
## پهلوانان نمی‌میرند

آشنایی با چند زورخانه قدیمی و معروف تهران

تا پیش از آنکه باشگاه‌های ورزشی کوچک و بزرگ مثل قارچ سر از هر کوچه و خیابان تهران در بیاورند، زورخانه‌ها یا نوق جوانان محل بودند؛ زورخانه‌هایی بادی کوتاه، کنار سقاخانه و آب‌انبار، پشت دیوارهای خشت و گل که مردها با سبیل‌های پر تپ و روغن‌زده، پنجه‌هایی ورزیده و خوش قامت «باغلی» می‌گفتند، سر خم می‌کردند و از این در می‌گذشتند. از پشت این در تنها صدای ضرب و زور می‌آمد و صدای باغلی از لب جوانمردانی که دل در گرو آیین سنگ عیار و پوربای ولی داشتند. درهای کوتاه‌قامت اهل زور تهران روزی به روی بید و جوان باز بودند. گلپازان می‌شدند و در ماه رمضان چراغ گل‌بازان در این زورخانه‌ها برپا می‌شد. یک محله بود و یک زورخانه؛ پهلوان که از هر کوچه رد می‌شد، پیرها به احترامش قامت راست می‌کردند.



عکس: هاله همشهری | امیر شاه‌پور - رضا نوراله

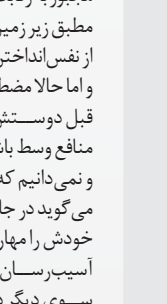


### زورخانه نیروشادی

زورخانه نیروشادی نزدیک به ۱۰۰ سال قدمت دارد. در یکی از کوچه‌های باریک خیابان مولوی است و بهرغم کم‌قبالی بعضی از جوانان به ورزش باستانی هنوز هم برآمیختندگان خودشان را دارد. این زورخانه خیلی بزرگ نیست اما محل پرورش پهلوان‌های نامی بوده است. داستان ساخت این زورخانه جالب است و به سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ برمی‌گردد. ماجرا از آنجا شروع می‌شود که رضا کاشفی برجسته، معروف به رضا یوسف‌خان به کرمانشاه سفر می‌کند. او که جوان نونموند و ورزشکاری بوده به یکی از زورخانه‌های کرمانشاه می‌رود تا کمی سر حال شود اما صاحب زورخانه استقبال نمی‌کند و به نوعی او را از خود می‌رانند. یوسف‌خان وقتی به تهران بازمی‌گردد، زورخانه‌های در قنات آباد می‌سازد و بعد از چند سال هم زورخانه نیروشادی را بنا می‌کند. این هدف که کسانیکه در ورزش می‌کنند سرشار از نیرو و انرژی شوند، بعد از فوت رضا کاشفی برجسته در سال ۱۳۴۹، اداره زورخانه به اکبر پسرش رسید. او هم مدتی زورخانه را اداره کرد و هم اکنون این مسئولیت بر عهده وحید رضا، نوه برجسته محول شده است.

### زورخانه شیرافکن

زورخانه شیرافکن یکی از زورخانه‌های قدیمی شهر تهران است که سال ۱۲۸۷ نوسازی شده است؛ زورخانه‌ای که سال ۱۲۱۳ پهلوان مرحوم «خسرو معصومی» در آن را به روی یک محله باز کرد. پهلوان خسرو که آوازه کشتی‌هایش با پهلوان «مهدی» معروف به «مهدی قصاب» دهان به دهان می‌چرخید، وقتی انگشترش زمان کشتی با مهدی قصاب قطع شد، مسئولان حکومت وقت را بر آن داشت که ورزشگاه‌های برای او بسازند. خسرو معصومی، یکی از پیشکسوتان و مربیان برجسته ورزش‌های زورخانه‌ای بود که هدفش ترویج فرهنگ پهلوانی و حفظ ورزش‌های سنتی ایرانی بود و انگشترش تنها پسرش پهلوان مجید از کهن‌کوستان شهر، چرغدار زورخانه است.



### زورخانه هژبر

حسین هژبر در اواخر دوران قاجار و در سال ۱۳۱۰ زورخانه هژبر را در محله مولوی تهران به منظور حفظ و توسعه سنت‌های ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای بنا کرد. این زورخانه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای در تهران شناخته می‌شود و همچنان نقش مهمی در حفظ و ترویج سنت ورزش‌های ایرانی دارد. او با هدف گسترش فرهنگ پهلوانی و آموزش ورزش‌های سنتی ایرانی، این مکان را به محلی برای تربیت ورزشکاران و ترویج آداب و رسوم ایرانی تبدیل کرد. هژبر به عنوان یک پیشکسوت در رشته‌های کشتی و ورزش‌های ایرانی شناخته می‌شد و بسیاری از جوانان علاقه‌مند به ورزش‌های سنتی در این زورخانه تحت آموزش او قرار گرفتند. علاقه و تعهد حسین هژبر به حفظ این فرهنگ باعث شد که زورخانه او به یکی از معتبرترین و مهم‌ترین مراکز ورزش‌های زورخانه‌ای تبدیل شود. تا به امروز این زورخانه همچنان به عنوان یادگار فرهنگی و ورزشی در تهران باقی مانده است.

**باشکوه‌ترین زورخانه تهران**

«زورخانه بانک ملی» روزگاری بزرگ‌ترین و پررونق‌ترین زورخانه تهران بود و مقامات عالی‌رتبه سیاسی از هر گوشه دنیا که به تهران می‌آمدند، مهمان این زورخانه می‌شدند تا از نزدیک با آیین‌های پهلوانی ایرانی‌ها آشنا شوند. معماری زیبای این زورخانه بعد از گذشت ۷۷ سال هنوز زیبا و منحصربه‌فرد است. این زورخانه در محوطه اداری بانک ملی در خیابان فردوسی قرار دارد و به همین دلیل به زورخانه بانک ملی معروف است. طراحی و ساخت ساختمان این زورخانه در سال ۱۳۲۵ به محسن فروغی پیشنهاد شد و یک سال بعد به بهره‌برداری رسید. آنطور که مسئولان این زورخانه تعریف می‌کنند در دوره‌های مختلف تاریخی، مقامات عالی‌رتبه سیاسی بسیاری از گوشه‌ونگار جهان مهمان این زورخانه می‌شدند و گواهی این ادعا تصاویر رؤسای جمهور، سفرا و مشاهیر کشورهای مختلف است که در راهروی پارک زورخانه نصب شده است. برخی معتقدند هدف از ساخت این بنا در محوطه بانک ملی، پرورش روحیه جوانمردی و امانتداری کارمندان بانک بوده است. معماری این زورخانه ساده و سنتی با تکیه بر اصول معماری زورخانه‌ای ایران و سقف آن کعبه‌ی شکل است.

**مکت**

با اسکن این کیوارکد یادداشت‌ها را ببینید.